

## جدال با مرگ و گرسنگی در حفره یخچال دماوند



این روایت یکی از نادرترین اتفاقاتی است که می تواند برای یک نفر در ارتفاع ۵ هزار متری بیفتد و در حالی که دسترسی به آذوقه دارد از آن استفاده نمی کند و ...

زینال مظلومی، کوهنورد حرفه‌ای کشورمان ابعادی از جنبه‌های روایت نشده حادثه‌ای را برای ما بازگو کرد که ۲۳ سال پیش به وقوع پیوسته بود و در آن زمان موجی از شگفتی را در میان رسانه‌ها و افکار عمومی به دنبال داشت

• شنبه، ۶ خرداد ۱۴۰۲  
• ۷ ذی القعدة ۱۴۴۴  
• سال بیست و نهم  
• شماره ۸۱۹۴

Iran Newspaper

ISSN1027-1449  
Keytitle: IRAN (Tehran)  
irannewspaper.ir

# حوادث ایران

ماجراهای تلخ و شیرین / کارشناسی پرونده‌ها / داستان‌های خواندنی جنایی / خاطرات جامانده و ... هر روز در روزنامه ایران

### تیترها

#### سحرگاه پنجشنبه حکم اجرا شد بازگشت آرامش به مراغه

اعدام مرد شیطان صفت که دختران و زنان مراغه‌ای را هدف نیت شوم خود قرار می داد در ملأعام به اجرا درآمد.



۱۶

بازپرس جنایی تهران در دستور کار قرار داد

#### ابهام‌زدایی در پرونده قتل دکتر ضیایی و همسر دکترش

بازپرس جنایی تهران دستورات ویژه‌ای را برای ابهام‌زدایی از جزئیات قتل آقا و خانم دکتر در سعادت‌آباد صادر کرد.

۱۸

جزئیات مجازات بهلول در قتل جنجالی شیمیا

#### سکانس تلخ شیمیا

بهلول قاتل شیمیا صباگردی مقدم به تحمل ۸ سال حبس محکوم شد.



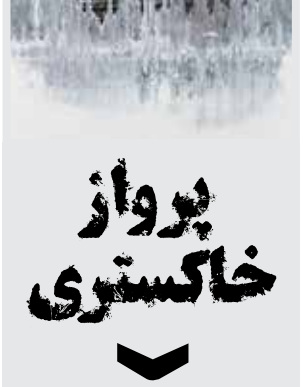
۱۸

#### اشک پشیمانی پسر نوجوان در دادگاه قتل رفیق

پسر نوجوان که در بازگشت از مدرسه همراه دوستش به میهمانی رفته و در اوج مستی دوستش را کشته بود پای میز محاکمه ایستاد و اشک پشیمانی ریخت.

۱۷

#### داستان زندگی



یک پارتی شیک بود و تا آن زمان در چنین میهمانی‌هایی نبود. زیر رقص نور دیوانه‌کننده بود که امید با دیدن کریم به سمت او آمد: سلام پسر! خیلی دیر کردی، بیا به مامان و بابام معرفی‌ات کنم. کریم می‌دانست از خجالت سرخ شده است، دست امید را گرفت و همراه او شد، از بین میزهای پر از میهمان گذشتند، امید با لبخند با آشنایان خوشامدگویی گفت تا اینکه به بالای مجلس رسیدند.

## پلیس فتای تهران از مسیری کلاهبرداری رازگشایی کرد

# ریاست شبکه موربانهای از زندان

**فاطمه شیخ علیزاده /** مرد زندانی در سلول هم درس عبرت نگرفت و با تشکیل شبکه‌ای موربانهای به کلاهبرداری‌های زنجیره‌ای پرداخت. شما برنده جایزه بزرگ تلویزیون شده‌اید!

حتی تصور این اتفاق هم شیرین است. فکرش را نکنید یک روز با شما تماس بگیرند و بگویند شما همان انسان خوشبخت و خوش‌شانسی هستید که از میان صدها و هزاران و میلیون‌ها نفر قرعه به نام‌تان افتاده و به‌عنوان برنده جایزه بزرگ معرفی شوید. انگار در یک لحظه همه چاله‌های زندگی آدم از جلوی چشمش رد می‌شود و تصور پایان گرفتن این چاله‌های اقتصادی و گرفتاری‌ها یعنی تجربه حس ناگوارناپذیر شغف.

در آن لحظه گویی فردی که این خبر را شنیده دلش می‌خواهد باور کند که این شیرینی حقیقت دارد. حتی اگر شک به دلش بیفتد و فکر این که نکند کاسه‌ای زیر نیم کاسه باشد، اما در ذهنش دنبال توجیهی می‌گردد که به خودش ثابت کند همه چیز حقیقت دارد. مثلاً با خودش فکر می‌کند اگر کلاهبردار باشد نام ساکن کدام منطقه هستم؟ و این سوالات دقیقاً همان چیزی است که کلاهبرداران فکر در همه جای آن را کرده‌اند! آنها می‌دانند برای به کرسی نشاندن نقشه‌شان از کجا شروع کرده و خوب می‌دانند چطور باید طعمه‌های خود را مجاب کنند. مثل باند کلاهبرداران تلفنی که مدتی قبل به دام پلیس فتای تهران افتادند. نقشه آنها به حدی حساب شده و دقیق بود که حتی برخی از اعضای باند نمی‌دانستند ماجرا از چه قرار است و گمان می‌کردند در حال خرید و فروش ارز هستند!

تنها برگ برنده سردسته باند کلاهبرداری یک چیز بود: سوءاستفاده از طمع اعضای باند و طعمه‌های کلاهبرداری!

رؤیای یک شبه پولدار شدن، در برخی افراد به حدی شیرین است که دست کشیدن از آن و تکیه بر منطق برایشان سخت است، برای همین به دره عمیق مالباختگی سقوط می‌کنند. نکته جالب اینجاست که اعضای این باند در ازای مبالغ ناچیز به دام کار خلاف افتادند. آنها در ازای دریافت یک، ۲ یا نهایتاً ۳ میلیون تومان برای سردسته باند کار می‌کردند اما گمان می‌کردند که بالاخره با همین درآمدهای اندک به سود بالایی می‌رسند و زندگی‌شان تغییر می‌کند.

**قدم اول: شناسایی اعضای باند**  
سردسته این باند سعی می‌کرد هیچ ردی از خود بر جای نگذارد، برای همین حتی اعضای باند هم اطلاع دقیقی از محل زندگی او و شاید حتی هویتش نداشتند! او ابتدا از میان جوان‌هایی که نیاز مالی شدید داشتند، فردی را انتخاب می‌کرد تا بتواند از طریق او طعمه‌های خود را برای کلاهبرداری انتخاب کند.

یکی از افرادی که توسط پلیس فتا شناسایی و دستگیر شده است، اولین حلقه این باند تبهکار است. او در مورد نقش خود در این کلاهبرداری می‌گوید: «من شاگرد مکانیک بودم. از صبح تا شب کار می‌کردم تا بتوانم خرج زندگی‌ام را تأمین کنم. یک روز فرد ناشناسی با من تماس گرفت اما خودش را معرفی نکرد و می‌گفت این طور بهتر است! بعد گفت ایده که من با چه سختی‌ای کار می‌کنم و برای همین پیشنهادی برای بهتر شدن اوضاع زندگی‌ام دارد. گفت افراد لنگ پول را در محل شناسایی کنم و شماره تلفن آنها را به او بدهم. می‌گفت این افراد بهتر است از میان سالمندان یا معاندان باشند تا راحت‌تر قبول کنند با آنها همکاری کنند. ابتدا به من گفت کارشان خرید و فروش ارز است. من هم چنین افرادی را به او معرفی می‌کردم اما وقتی دستگیر شدم فهمیدم ماجرا طور دیگری است! سردسته باند، این افراد را به‌عنوان طعمه کلاهبرداری تلفنی شکار می‌کرد.»

این متهم در مورد اینکه چطور قبول کرد با اعضای این باند همکاری کند در ادامه می‌گوید: «وقتی با من تماس گرفتند به آن فرد گفتم چطور باید مطمئن باشم در ازای این کار به من پولی پرداخت می‌کنند؟ فردی آن روز یک پیک برایم بسته‌ای آورد که در آن ۳ میلیون تومان پول بود. دوباره همان فرد ناشناس با من تماس گرفت و گفت حالا مطمئن شدی به تو پول می‌دهیم؟ قرار شد هر بار که فردی را به آنها معرفی می‌کنم مبلغی بین ۳ تا ۴ میلیون تومان به من پرداخت کنند اما بعد از پرداخت همان پولی که با پیک برایم فرستادند دیگر هیچ مبلغی به من ندادند. من ۲ یا ۳ نفر را به آنها معرفی کردم. بدین صورت که این افراد را در محل شناسایی کرده و شماره‌هایشان را پیدا می‌کردم و بعد با اسم و مشخصات در اختیارشان قرار می‌دادم. وقتی از آنها می‌خواستم که پول من را پرداخت کنند، می‌گفتند بگذار بعد از

شناسایی می‌کرد باید وظیفه دوم خود را انجام می‌داد! او باید افرادی را معرفی می‌کرد که کارت خود را اجاره دهند.

این متهم در مورد این مرحله از کار خود می‌گوید: «افرادی را هم به سردسته باند معرفی می‌کردم که کارت‌شان را اجاره دهند. پولی به حساب آنها منتقل می‌شد و بعد با این افراد در صرافی قرار می‌گذاشتند و با پول واریز شده به کارت‌شان ارز خریداری می‌کردند.»

دو نفر از کسانی که کارت خود را اجاره داده بودند هم دستگیر شده‌اند. یکی از آنها می‌گوید: «به من گفتند فردی قصد خرید ارز دارد اما چون ما هر کدملی و شماره کارت فقط می‌تواند مقدار محدودی از خریداری کند، نیاز به کسانی دارد که کارت بانکی‌شان را به او اجاره دهند. من فکر نمی‌کردم پشت این ماجرا کلاهبرداری باشد!»

پولی به حساب آمد و با آنها قرار گذاشتیم و آن پول ارز خریدیم و تحویل‌شان دادم. آنها حتی داخل صرافی هم نمی‌آمدند! آن طرف خیابان می‌ایستادند و وقتی ارز را تحویل می‌گرفتند، می‌رفتند. من دو بار کارت‌م را به آنها اجاره داده بودم. دوست‌م را هم معرفی کردم که او هم یک بار کارت‌ش را اجاره داد.»

فرد دیگری که به توصیه دوستش کارت خود را اجاره داده بود، می‌گوید: «دوست‌م می‌گفت کسانی هستند که برای مبادله ارز کارت بانکی اجاره می‌کنند. من فقط یک بار اجاره دادم و



شناسایی می‌کرد باید وظیفه دوم خود را انجام می‌داد! او باید افرادی را معرفی می‌کرد که کارت خود را اجاره دهند.

این متهم در مورد این مرحله از کار خود می‌گوید: «افرادی را هم به سردسته باند معرفی می‌کردم که کارت‌شان را اجاره دهند. پولی به حساب آنها منتقل می‌شد و بعد با این افراد در صرافی قرار می‌گذاشتند و با پول واریز شده به کارت‌شان ارز خریداری می‌کردند.»

دو نفر از کسانی که کارت خود را اجاره داده بودند هم دستگیر شده‌اند. یکی از آنها می‌گوید: «به من گفتند فردی قصد خرید ارز دارد اما چون ما هر کدملی و شماره کارت فقط می‌تواند مقدار محدودی از خریداری کند، نیاز به کسانی دارد که کارت بانکی‌شان را به او اجاره دهند. من فکر نمی‌کردم پشت این ماجرا کلاهبرداری باشد!»

پولی به حساب آمد و با آنها قرار گذاشتیم و آن پول ارز خریدیم و تحویل‌شان دادم. آنها حتی داخل صرافی هم نمی‌آمدند! آن طرف خیابان می‌ایستادند و وقتی ارز را تحویل می‌گرفتند، می‌رفتند. من دو بار کارت‌م را به آنها اجاره داده بودم. دوست‌م را هم معرفی کردم که او هم یک بار کارت‌ش را اجاره داد.»

فرد دیگری که به توصیه دوستش کارت خود را اجاره داده بود، می‌گوید: «دوست‌م می‌گفت کسانی هستند که برای مبادله ارز کارت بانکی اجاره می‌کنند. من فقط یک بار اجاره دادم و

شناسایی می‌کرد باید وظیفه دوم خود را انجام می‌داد! او باید افرادی را معرفی می‌کرد که کارت خود را اجاره دهند.

این متهم در مورد این مرحله از کار خود می‌گوید: «افرادی را هم به سردسته باند معرفی می‌کردم که کارت‌شان را اجاره دهند. پولی به حساب آنها منتقل می‌شد و بعد با این افراد در صرافی قرار می‌گذاشتند و با پول واریز شده به کارت‌شان ارز خریداری می‌کردند.»

دو نفر از کسانی که کارت خود را اجاره داده بودند هم دستگیر شده‌اند. یکی از آنها می‌گوید: «به من گفتند فردی قصد خرید ارز دارد اما چون ما هر کدملی و شماره کارت فقط می‌تواند مقدار محدودی از خریداری کند، نیاز به کسانی دارد که کارت بانکی‌شان را به او اجاره دهند. من فکر نمی‌کردم پشت این ماجرا کلاهبرداری باشد!»

پولی به حساب آمد و با آنها قرار گذاشتیم و آن پول ارز خریدیم و تحویل‌شان دادم. آنها حتی داخل صرافی هم نمی‌آمدند! آن طرف خیابان می‌ایستادند و وقتی ارز را تحویل می‌گرفتند، می‌رفتند. من دو بار کارت‌م را به آنها اجاره داده بودم. دوست‌م را هم معرفی کردم که او هم یک بار کارت‌ش را اجاره داد.»

فرد دیگری که به توصیه دوستش کارت خود را اجاره داده بود، می‌گوید: «دوست‌م می‌گفت کسانی هستند که برای مبادله ارز کارت بانکی اجاره می‌کنند. من فقط یک بار اجاره دادم و

شناسایی می‌کرد باید وظیفه دوم خود را انجام می‌داد! او باید افرادی را معرفی می‌کرد که کارت خود را اجاره دهند.

این متهم در مورد این مرحله از کار خود می‌گوید: «افرادی را هم به سردسته باند معرفی می‌کردم که کارت‌شان را اجاره دهند. پولی به حساب آنها منتقل می‌شد و بعد با این افراد در صرافی قرار می‌گذاشتند و با پول واریز شده به کارت‌شان ارز خریداری می‌کردند.»

دو نفر از کسانی که کارت خود را اجاره داده بودند هم دستگیر شده‌اند. یکی از آنها می‌گوید: «به من گفتند فردی قصد خرید ارز دارد اما چون ما هر کدملی و شماره کارت فقط می‌تواند مقدار محدودی از خریداری کند، نیاز به کسانی دارد که کارت بانکی‌شان را به او اجاره دهند. من فکر نمی‌کردم پشت این ماجرا کلاهبرداری باشد!»

پولی به حساب آمد و با آنها قرار گذاشتیم و آن پول ارز خریدیم و تحویل‌شان دادم. آنها حتی داخل صرافی هم نمی‌آمدند! آن طرف خیابان می‌ایستادند و وقتی ارز را تحویل می‌گرفتند، می‌رفتند. من دو بار کارت‌م را به آنها اجاره داده بودم. دوست‌م را هم معرفی کردم که او هم یک بار کارت‌ش را اجاره داد.»

فرد دیگری که به توصیه دوستش کارت خود را اجاره داده بود، می‌گوید: «دوست‌م می‌گفت کسانی هستند که برای مبادله ارز کارت بانکی اجاره می‌کنند. من فقط یک بار اجاره دادم و

### فوت یک محکوم به اعدام در زندان مرکزی تبریز

دادستان آذربایجان غربی جزئیات علت فوت زندانی را در تبریز توضیح داد.

بابک محبوب علیلو جزئیاتی را درباره فوت یک زندانی محکوم به اعدام بیان کرد و گفت: ۵ دی ماه سال ۱۳۹۶ منتهی با نام میلاد بهمن‌زاده فرزند احمد به اتهام لواط به عنف از سوی شعبه ۳ دادگاه کیفری یک تبریز با قرار بازداشت موقت معرفی و بازداشت شد که پس از رسیدگی به پرونده، حکم اعدام برای او تأیید شد.

دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان آذربایجان شرقی تصریح کرد: ساعت ۱۶:۳۰ مورخ ۳۱ اردیبهشت ماه سال جاری متهم برای اجرای حکم به بند ویژه زندان تبریز منتقل شد که در ساعت ۲۰:۲۰ بامداد یکم خردادماه با وجود حرکات نامتعارف توسط متهم در بند ویژه زندان، بلافاصله پزشک و پرستار به‌هداری زندان بر سر بالین وی حاضر شدند و او را به بهداری منتقل کردند. بعد از اقدامات درمانی در نهایت متهم در ساعت ۰۲:۳۰ بامداد به علت ایست قلبی درگذشت.

### معمای جسد خونین زن جوان در ساک ورزشی

جسد مثله شده زن جوان داخل یک ساک ورزشی در میدان آزادی تهران کشف شد. به گزارش «ایران»، ظهیر پنجشنبه رفتگران شهرداری در میدان آزادی تهران با یک ساک ورزشی برخورد کردند که به طرز مرموزی رها شده بود. وقتی زپ ساک ورزشی باز شد صحنه هولناکی مقابل چشم‌انشان دیدند. جسد تکه تکه شده زنی ۲۸ ساله داخل ساک جاسازی شده بود. بلافاصله رسیدگی به موضوع در دستور کار امیرحسین علیمردان بازپرس کشیک قتل پایتخت قرار گرفت و تحقیقات تیم جنایی برای روشن شدن راز ماجرا آغاز شد. در حالی که هنوز هویت مقتول مشخص نیست، بررسی‌ها برای یافتن ردی از عامل جنایت کلید خورد به همین منظور بازپرس جنایی دستور انگشت‌نگاری روی جسد را صادر کرده سپس جسد برای انجام معاینات به سردخانه پزشکی قانونی منتقل شد. رسیدگی به این پرونده تا روشن شدن راز ماجرا در دستور کار شعبه دهم دادسرای جنایی تهران قرار دارد.



### واژگونی اتوبوس گردشگری در آزادراه قزوین-تهران

اتوبوس مسافری اسکانیا صبح دیروز ۵ خرداد در آزاد راه قزوین-تهران واژگون شد. حادثه واژگونی اتوبوس مسافربری ساعت ۵ و ۹ دقیقه صبح به سامانه ۱۲۵ اطلاع داده شد که آتش‌نشانی قزوین آتش‌نشانی را از ایستگاه‌های شماره یک باغ دبیر و ۵ پونک به محل حادثه اعزام کرد. قدیر موسی‌خانی، رئیس سازمان آتش‌نشانی شهرداری قزوین از فوت ۲ فرد و مصدوم شدن ۲۹ نفر در این حادثه خبر داد و گفت این افراد توسط اورژانس به مراکز درمانی منتقل شدند. بعد از انتقال اجساد و مصدومان آتش‌نشانی اتوبوس را با کمک جرثقیل به حاشیه اتوبان برده و به مأموریت خود پایان دادند.